



## India, the Persian Gulf and the emergence of a superset

Received : 2024/01/22

accepted : 2024/01/26

### abstract

**Tawfiq Aqabi:**

PhD student of political science (Iranian issues), Islamic Azad University, Kermanshah branch

Email:  
oghabi54@gmail.com

**Iraj Ranjbar:**

Assistant Professor of Islamic Azad University, Kermanshah branch (corresponding author)

Email:  
iraj\_ranjbar79@yahoo.com

**Shahram Fatahi:**

Assistant Professor of Islamic Azad University, Kermanshah branch

Email:  
fatahi1352@gmail.com

**Syros Mohebi:**

Assistant Professor of Islamic Azad University, Kermanshah branch

Email:  
dr.sirosmohebi@yahoo.com

**Nusratullah Heydari:**

Assistant Professor of Islamic Azad University, Kermanshah branch

Email:  
nosrat2020@yahoo.com

The phenomenon of ethnicization and the formation of identities have gained double importance in the contemporary period and factors such as deprivations, oppression of rulers, territorial divisions and migrations have played a major role in weakening the link between the land and the culture of societies. One of the effective factors in the country's policy-making is the monitoring of the surrounding environment, especially the western border areas, which have long been the residence of Kurdish tribes. have settled in eastern Iraq (Diyali, Wasit, Maysan and Baghdad). Their opportunities and threats in the western border areas of Iran are considered one of the country's security challenges, which can guarantee the country's national security with proper cultural, social and media policies and planning. Here, the question that arises is how the provincial media can be effective in building the identity of the Kurds of Fili and creating national security. Provincial networks produce and broadcast interesting programs with local dialect in the form of: historical documentaries, tourist attractions, local customs and live communication with the Kurds of Iraq, especially during Arbaeen and other religious occasions. to be protected from the media attack of foreign security services that are produced and broadcast in the form of political and social programs from affiliated Kurdish networks. This research has been done in a descriptive and analytical way using library study and documentary data. Media studies confirm that the representation of Iraqi Kurds' identity in the media (Ilam Provincial Network) leads to their convergence with Iranian Kurds and national security.

**Keywords:** Media, identity, security, Kurds of Philly, Ilam

### رسانه (شبکه ایلام) و بر ساخت هویت کردهای فیلی عراق و نقش آن در امنیت ملی ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

#### چکیده

پدیده قومی شدن و شکل گیری هویت ها در دوره معاصر اهمیتی مضاعف پیدا کرده و عواملی همچون محرومیت ها، ظلم حاکمان، تقسیمات سرزمینی و مهاجرتها نقش اساسی را در تضعیف پیوند میان سرزمین و فرهنگ جوامع داشته اند. یکی از عوامل موثر در سیاست گذاری کشور رصد محیط پیرامون به ویژه مناطق مرزی غرب است که از دیر باز محل سکونت اقوام کرد بوده است. در این بین کرد های فیلی با حدود دو میلیون نفر جمعیت، که از استان ایلام مهاجرت کرده اند اغلب در استانهای شرقی عراق (دیالی، واسط، میسان و بغداد) ساکن شده اند. فرصت ها و تهدیدهای آنها در مناطق مرزی غرب ایران یکی از چالش های امنیتی کشور قلمداد می شود که سیاست گذاری و برنامه ریزی های درست فرهنگی، اجتماعی و رسانه ای می توانند ضامن امنیت ملی کشور باشد. در اینجا سوالی که پیش می آید این است که رسانه استانی چگونه می تواند در بر ساخت هویت کردهای فیلی و ایجاد امنیت ملی موثر باشد؟ شبکه های استانی با تولید و پخش برنامه هایی گوناگون و جذاب با گویش محلی در قالب: مستندهای فاخر تاریخی، جاذبه های گردشگری، آداب و رسوم محلی و ارتباط زنده با کردهای فیلی عراق به ویژه در ایام اربعین و مناسبت های مذهبی دیگر بر آن است تا فاصله بوجود آمده را پر کند، تا در برابر هجمه رسانه های سرویس های امنیتی بیگانه که در قالب برنامه های سیاسی و اجتماعی از شبکه های کردی وابسته تولید و پخش در امان بماند. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از مطالعه کتابخانه ای و داده های اسنادی انجام شده است. مطالعات رسانه ای موید این است که بازنمایی هویت کردهای فیلی عراق در رسانه (شبکه استانی ایلام) به همگرایی آنها با کردهای ایران و تامین امنیت ملی می انجامد.

**کلیدواژه ها:** رسانه، هویت، امنیت، کردهای فیلی، ایلام

#### توفیق عقابی:

دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

Email: oghabi54@gmail.com

#### ایرج رنجبر:

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (نویسنده مسئول)

Email: iraj\_ranjbar79@yahoo.com

#### شهرام فتاحی:

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

Email: fatahi1352@gmail.com

#### سیروس محبی:

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

Email: dr.sirousmohebi@yahoo.com

#### نصرت الله حیدری:

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

Email: nosrat2020@yahoo.com

## مقدمه

امروزه رسانه‌ها به ویژه تلویزیون به عنوان یکی از ابزارهای مهم انتقال ارزش‌های فرهنگی و هویتی نقش مهمی را در ارتباطات اجتماعی بر عهده دارند. لازم است که این اثرگذاری رسانه‌ای مورد بررسی دقیق قرار گیرد، بویژه تلویزیون که در استان‌ها با هدف احیاء فرهنگ بومی و محلی راه اندازی شده‌اند. این رسالت مهم رسانه‌ای در جوامعی مثل ایلام که دارای اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی با کردهای فیلی عراق دارد، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. از طرفی حضور اشغالگران آمریکایی در عراق و فعالیت شبکه‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل با حمایت مالی آمریکا در این کشور (به ویژه اقلیم کردستان عراق مردم این مناطق) استان‌های همجوار ایلام را به یک تهدید برای امنیت ملی ایران تبدیل کرده است. کردهای فیلی که طی قرون گذشته و از زمان صفوی که به دنبال معاهدات صلح با عثمانی، از ایران جدا شدند و یادر عصر قاجار و پهلوی اول بر اثر ظلم والیان، مالیات‌های سنگین و فقر و گرسنگی، جابجایی‌های بزرگ جمعیتی را به عراق داشته‌اند. با جدا شدن اقلیم کردستان و استقلال نسبی از دولت مرکزی عراق کرد‌های فیلی به نوعی دچار دوگانگی شده‌اند، که قدری شرایط را برای آنان دشوار کرده است. آنها از نظر فرهنگی و زبانی به اقلیم و از نظر گرایش مذهبی (تشیع) به دولت مرکزی عراق نزدیک‌اند. از سوی دیگر صدام در دوران حکومتش با کوچاندن برخی قبیله‌های متعصب و وفادار به خود نظیر قبیله‌های متعصب و وهابی‌الکراوی و نداء از غرب عراق (یعنی استان الانبار) به شرق عراق (یعنی استان دیالی) ترکیب جمعیتی یک دست شیعی کردهای فیلی این مناطق را بر هم زده است. حمایت آمریکا و اسرائیل از رسانه‌های دیداری و شنیداری به ویژه شبکه‌های متعدد تلویزیونی کردی با گرایش‌های دموکرات و سوسیالیستی و با اهداف تجزیه طلبانه و براندازی، شرایط را در این منطقه برای ایران امنیتی کرده است، به طوری که طی سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ از این ناحیه ده‌ها عملیات ریز و درشت با هدایت همین شبکه‌ها سازماندهی و اجرا شده است. تلاش رسانه استان ایلام این است که با تولید و توزیع محتوا برای مخاطبان کرد فیلی در دو سوی مرز علاوه بر احیای هویت ایرانی و اسلامی خود نقش موثری را در هرم قدرت عراق ایفا کند.

## پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام گرفته در سطح کشور در زمینه‌های فرهنگ، مذهب و قومیت بسیار زیاد و قابل توجه است. این پژوهش‌ها که توسط محققان مختلف در شهرها و مراکز دانشگاهی انجام شده، از مناظر و زوایای متنوعی به موضوع نگریسته شده است. برخی صرفاً فرهنگ و یا قومیت را سنجیده و عده‌ای دیگر فرهنگ اقوام، تعدادی نیز فرهنگ و مذهب اقوام را بررسی کرده‌اند، وانگهی بیشتر تحقیقات بر تفاوت‌های قومی، همبستگی اقوام و روابط قومی و ... دلالت دارند و پژوهش‌هایی که به ساخت رسانه‌ای هویت کردهای فیلی بپردازد، بسیار اندک و ناچیز هستند. نزدیکترین تحقیق به موضوع این پژوهش، مقاله‌ای است که باریکان در سال ۱۳۹۶ تحت عنوان عوامل موثر بر کشتار و اخراج کردهای فیلی طی سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۵۰ و به روش کتابخانه‌ای و تاریخی انجام داده است و به این نتیجه می‌رسد که اختلافات سیاسی و سیاست توسعه طلبانه عراق و ایران عامل اصلی کشتار و مهاجرت کردهای فیلی بوده است. هر چند در بخش‌های تاریخی مشابهت‌هایی وجود دارد اما در پرداخت به مفهوم رسانه و امنیت متفاوت‌اند. پژوهش دیگری که در سال ۱۳۹۵ توسط جهانی و دیگران انجام شده است، به بررسی میزان تاثیر مولفه‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی مردم استان‌های کردنشین ایران از منظر نخبگی با استفاده از نظریه نامتوازن و نابرابری پرداخته و به کارکرد مثبت مولفه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر

همگرایی ملی مردم استانهای کرد نشین به عنوان نتایج کلی پژوهش تاکید می کند. تفاوت این تحقیق با پژوهش حاضر استفاده از نظریه های مختلف و عدم توجه به تاثیر امنیت و رسانه است در حالیکه سازه انگاری الکساندر ونت تبیین کننده نقش رسانه، هویت و امنیت است. مقاله دیگری که متقی و دیگران در سال ۱۳۹۵ با عنوان مدل سازی همگرایی قومی استان کردستان را با استفاده از نظریه نیاز سنجی به روش پیمایشی در بین مدیران کردستان انجام داده اند به این نتیجه می رسند که مردم کردستان در مسیر همگرایی هستند و از دیدگاه مدیران سیاسی نقش شاخص های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مشارکت سیاسی در همگرایی اولویت اول تا چهارم قرار می گیرد. در این پژوهش برعکس پژوهش حاضر که به نقش رسانه در بساخت هویت کردهای فیلی می پردازد، نتایج کار ملموس و کاربردی نیست. خاکسار در سال ۱۳۹۵ پژوهشی در حوزه جغرافیایی ایلام با هدف واکاوی مراسم چمر و عناصر ساختاری آن انجام شده که از نظر رویکرد نماد شناختی با استفاده از مشاهده مشارکتی، تاریخی-توصیفی و تحلیلی به این نتیجه می رسد که این مراسم سوگواری از سرشتی نمادین برخوردار است که با حضور زنان و مردان قبایل و طوایف به همگرایی قومی می انجامد امادر این پژوهش هم به نقش رسانه در بازنمایی و تاثیر آن بر امنیت اشاره نشده است.

## مفاهیم پژوهش

استان ایلام در غرب کشور و در همسایگی کرمانشاه از شمال، خوزستان از جنوب، لرستان از شرق و عراق از غرب قرار دارد. ساکنان اولیه ایلام از اقوام گوتی و مایی بوده اند و با ورود آریایی ها به سرزمین ایران، شاخه مادها در نواحی زاگرس ساکن شدند که امروزه به نام اقوام کرد و لر شناخته می شوند، بیشتر ساکنان این استان به گویش کردی فیلی (ایلامی یا جنوبی) و بخشی نیز به گویش لری، لکی و عربی تکلم می کنند. ادبیات شفاهی، مجموعه عقاید، شعرها، ترانه ها، ضرب المثل ها، افسانه ها و مثل ها، سخنان ساده، معماها، چیستان ها و تصنیف های عامیانه مردم این سرزمین است که از هزاران سال پیش تاکنون نسل به نسل به آنها رسیده و گنجینه فراوانی را در فرهنگ ایلامی به وجود آورده است. استان ایلام طولانی ترین مرز زمینی (۴۲۵ کیلومتر) با کشور عراق دارد. مناطق همجوار با عراق در غرب و جنوب غربی استان از زمینهای پست و کم ارتفاع و تپه ماهور، تشکیل شده است. همچون تپه های کله قندی و حمیران در مهران به طول ۱۷۰ کیلومتر که از بهرام آباد مهران تا خوزستان امتداد دارد. علرغم اشتراکات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کردهای فیلی ایران با عراق در طول نیم قرن گذشته به ویژه با حاکم شدن رژیم بعث با چالش های زیادی مواجه بوده است. می طلبد این ظرفیت بالقوه را باسیاست گذاری صحیح و بازنمایی رسانه در راستای منافع ملی بکار بگماریم.

## پشتکوه و مرکزیت سیاسی کرد های فیلی

دو منطقه پشتکوه (ایلام) و پیشکوه (لرستان) از اواخر قرن ششم تا اوایل دوره قاجار یک ایالت محسوب می شدند که به آن دو لر کوچک یا لرستان اطلاق می شد و توسط حاکمان محلی اداره می شدند. مقر حاکمان لرستان در این دوره طولانی، قلعه فلک الافلاک خرم آباد بود. در اوایل دوره قاجار، همزمان با روی کار آمدن فتحعلیشاه، سلطه والیان فیلی از منطقه پیشکوه لرستان برچیده شد و قلمرو آنان به پشتکوه منحصر گردید و حسن خان والی، مقر حکمرانی خود را به ده بالا در پشتکوه انتقال داد. والیان لرستان با محدود شدن قلمروشان به پشتکوه، به نام والیان پشتکوه

شناخته شدند و عنوان فیلی نیز از این زمان به بعد فقط به طوایف پشتکوه اطلاق می‌گردید. از دیدگاه جورج کامرون، امپراطوری پیلی در سال ۲۶۷۰ قبل از میلاد در شوش وجود داشته است. برخی دیگر نیز بر این عقیده‌اند که ریشه فیلی برمی‌گردد به مهاجران آریایی که قبل از میلاد مسیح به فلات ایران هجرت کرده‌اند و با ورود اسلام به عراق و پس از آن به ایران، فیلی‌ها مسلمان شدند و به مذهب تشیع گرویده‌اند.

## فیلی

به صراحت نمی‌توان گفت معنای کلمه «فیلی» چیست و ریشه آن به کجا برمی‌گردد. نویسندگان در این باره نظرات مختلفی ابراز کرده‌اند، از جمله حمید ایزدپناه درباره ریشه کلمه فیلی و اینکه چرا به لرستان نیز فیلی می‌گفتند، می‌نویسد: «شاید فیلی از کلمه فهله یا پهله یا پهلولی باشد. لرستان را نیز «فیلی» می‌گفتند بدان جهت که جزء منطقه پهله بوده است. به اعتقاد هوگو گروتیه، ریشه‌ی کلمه فیلی نیز از پیلی آمده که نام سلسله‌ای در عیلام باستان بوده است. پهلو یا پهله نام سرزمینی است که سلسله‌ی اشکانی، پادشاهی خویش را از آنجا آغاز کرده‌اند و شامل اصفهان، ری، همدان، کرمانشاهان، دینور، ماسبدان (پشتکوه)، مهرجانقدق (سیمره)، نهاوند، قم و قزوین می‌باشد. همچنین در استان ایلام منطقه‌ای به نام پهله وجود دارد که برخی معتقدند کلمه فیلی معرب شده از کلمه پهله (ایلام) می‌باشد.

کلمه فیلی برای اولین بار با روی کار آمدن حسین خان فیلی در لرستان معمول گردید و در سنگ قبرش نیز «حسین خان فیلی» حک گردیده است. پس از او نیز جانشینانش لقب فیلی را برای خویش انتخاب کردند. هوگو گروتیه معتقد است: «از آنجا که حسین خان، که در سال ۱۶۰۰ (تاریخ به قدرت رسیدن حسین خان سال ۱۵۹۷م) توسط شاه عباس از طایفه فیلی بود، از آن تاریخ به بعد همه ایلات تابعش را نیز فیلی می‌گفتند. از عصر صفویه تا اوایل دوره قاجار به واسطه حکومت والیان فیلی بر منطقه لر کوچک، به آنجا لرستان فیلی و به ایلات قلمروشان، لر فیلی می‌گفتند. اکنون کلمه فیلی به ساکنان استان ایلام و کردهای شیعه‌مذهب عراق اطلاق می‌گردد. ایل‌های تحت امر والیان لرستان که از آنها به عنوان فیلی یاد می‌شود، از نظر لهجه به سه دسته‌ی لر، لک و کرد تقسیم می‌شوند. لک‌ها و لر‌ها در پیشکوه لرستان سکونت دارند و کردها در پشتکوه (ایلام) و کرانه‌های شرقی رود دجله و از کرکوک تا بصره پراکنده می‌باشند.

با نگاهی سطحی به طوایف هر دو سوی مرز، متوجه قرابت قومی و قبیله‌ای خواهیم شد. طوایف ملکشاهی، شوهان، ملک‌خطاوی، بدرهای، خزل، شیروانی، کلهر و... دقیقاً تبدیل به دو نیم شده که نصف آنها ساکن شهرهای مهران، دهلران، صالح‌آباد، سومار، سرپل ذهاب و خسروی و نیمه دیگر آنها در شهرها و روستاهای عراق اعم از منظریه، نفت‌خانه، قازانیه (دو شیخ)، زرباطیه، بدره، جسان، شیخ سعد، علی غربی، علی شرقی و العماره هستند. به گواهی تاریخ، این مردمان مرزبانانی وفادار و غیور و نمایندگان اصیل برای ترویج فرهنگ غنی ایران اسلامی بوده‌اند.

## چهار چوب نظری

با مفروض گرفتن مبانی نظری سازه‌انگاری و نقشی که این نظریه بر هنجارها و ارزشها و هویت‌های مختلف در به وجود آمدن منافع قائل است، سعی می‌گردد تا هویت مشترک کردهای فیلی و تاثیر تلویزیون (شبکه استانی) بر آن را از منظر سازه‌انگاری و رهیافت الکساندر ونت مورد بررسی قرار گیرد. سازه‌انگاری به عوامل فکری مانند فرهنگ و هنجارها بها می‌دهد و مهمترین تاکید ونت بر هویت است که در فرایند تعامل بین دولتها و ملتها ایجاد می‌شود. ونت معتقد است که منافع و هویت‌ها، مفروض و از پیش داده شده نمی‌باشند بلکه نتیجه تعامل اجتماعی می‌باشند که در فرایند‌های بین‌المللی در معرض تغییر می‌باشند (امیرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۸). مطابق نظریه سازه‌انگاری هنجارها تعریف‌کننده هویت‌ها و هویتها نیز معرف منافع هستند، از این منظر کنشگران قائم به شکل اجتماعی بوده و هویت آنها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذنهانی است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۶). بنابراین نقش رسانه در بر ساختن هویت‌ها بر کسی پوشیده نیست به ویژه در ایران که شبکه‌های استانی با همین هدف راه‌اندازی شده‌اند. از اواخر سال ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه‌انگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. مباحث هستی‌شناسی به وضوح کانون اصلی توجه سازه‌انگاران است. سازه‌انگاری، سیاست بین‌الملل را بر اساس یک هستی‌شناسی «رابطه‌ای» می‌بینند و به عوامل فکری مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها بها می‌دهد. ونت به عنوان یکی از مهم‌ترین اندیشمندان این مکتب، در تئوری اجتماعی بیان می‌کند که تعامل میان بازیگران، بستگی به ساختار دانش سیستم بین‌الملل دارد؛ و دانش را به عنوان فرهنگ و معانی مشترک تعریف می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۵۷).

سازه‌انگاری، رسانه، هویت

سازه‌انگاران، کنش دولتی را وابسته به جایگاه قدرت یک کشور نمی‌دانند، بلکه آن را هدایت شده از سوی هنجارها تلقی می‌کند (احدی، ۱۳۹۹: ۳۹۰).

اصولاً تقسیم‌بندی سه‌گانه زیر در بین نظریه‌پردازان سازه‌انگاری متداول است:

1. سازه‌انگاری اجتماعی که زمینه فعالیت آن صحنه بین‌المللی است.
  2. سازه‌انگاری سطح واحد که شیوه اثرگذاری قواعد و منابع داخلی را در شکل‌گیری هویت دولتها مطالعه می‌کند.
  3. سازه‌انگاری کل‌نگر در سطوح داخلی که به رفتار هویت دولتها می‌پردازد (دانش‌نیا، ۱۳۹۴).
- دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۴)، اما استدلال سازه‌انگاری اجتماعی بر این مبنی است که هویت مشترک احتمالاً به کاهش یا حذف پندار تهدید ملت‌ها از یکدیگر می‌انجامد (لطیفیان، ۱۳۹۰).
- سازه‌انگاران به دنبال آنند که چگونه هویت و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند به روابط نهادینه بین آنها اشاعه یابد و از آنجایی که منافع از روابط اجتماعی کسب می‌شود، لزوماً نباید نسبت به تعامل میان دولتها پیش‌داوری نمود؛ بدین معنی که دولتها برای همیشه دوست و دشمن همدیگر باقی نمی‌مانند (هادیان، ۱۳۹۲).

در این نظریه به فرهنگ و هویت و تاثیر آن بر سیاست‌های داخلی و خارجی تمرکز شده است. بر این اساس، رفتار اجتماعی منجر به تشکیل هویت داخلی و به تبع آن بر هویت و منافع دولتها

در خارج از کشور اثر مستقیم می‌گذارد (بلیس و اسمیت). همان‌طور که گفته شد، اتکا این نظریه به هویت و منابع نرم‌افزاری قدرت است که قدرت رسانه یکی از آنهاست که به مؤلفه‌های هویت کردهای فیلی عراق که با سرزمین مادری شان یعنی ایران مشترک‌اند و نیز برخی تأثیرات رسانه استانی در بر ساخت این هویت مشترک می‌پردازد.

### سازه‌انگاری، امنیت و هویت

سازه‌انگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه اندیشه بازیگران نظام بین‌الملل نسبت به پدیده‌ها و موضوعات خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و بر این باورند هر اندازه ادراکات و فهم متقابل بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات متناقض و نامتجانس باشد، میزان بی‌اعتمادی میان آنها افزایش بیشتری پیدا می‌کند.

برای سازه‌انگاران، صرفاً امنیت نظامی و مصون بودن از تهدیدات خارجی ملاک نیست، بلکه امنیت در اجتماع و دیگر ابعاد مدنظر است. از سوی دیگر سازه‌انگاران، کسب امنیت را از طریق موازنه قوا نامناسب می‌دانند، در حالی که به اعتماد و همکاری در راستای دستیابی به امنیت تأکید ویژه‌ای دارند. اصرار آنها به این رویکرد، از اعتقاد آنها به زمینه اجتماعی امنیت نشأت می‌گیرد.

در تحلیل سازه‌انگاران، هر بازیگر به عنوان حامل یک هویت، فهم و انتظار ویژه‌ای از خود دارد و مناسبات خود را با دیگران بر اساس همان فهم شکل می‌دهد. نوع و میزان تعامل بین بازیگران تا حدودی تابع این تفسیر است که چه کسی (خودی) و کدام بازیگر (دیگری) یا غیرخودی است. آنها به نقش هویت در شکل‌گیری کنش اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و بر این باورند که هویت در نوع، شکل، میزان و موقعیت کنش نقش ایفا می‌کند.

نظریه‌پردازان سازه‌انگاری به این مقوله می‌پردازند که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌توانند به روابط نهادینه شده میان مردم گسترش یابند. از آنجا که منافع از روابط اجتماعی برمی‌خیزد، بنابراین نسبت به نوع تعامل میان دولت‌ها و همکاری یا تعارض میان آنها، نه می‌توان خوش‌بین بود و نه بدبین، چرا که بر اساس دیدگاه سازه‌انگاران، دشمنان تا ابد دشمن و دوستان تا ابد دوست نمی‌مانند. در این نظریه، دولت‌ها بر اساس هویت نهادینه شده خود دنیا را می‌سازند و بر آن مبنی دست به اقدام می‌زنند، ولی به طور متقابل نیز هویت‌شان دچار دگرگونی می‌شود و در ارتباط با آن ساخته می‌شوند.

### مهاجرت کردهای فیلی به عراق

به طور کلی عوامل مهاجرت ساکنان پشتکوه به دو دسته، عوامل رانش و جذب تقسیم می‌شوند. عوامل رانش، عواملی بودند که در پشتکوه زمینه را برای مهاجرت ساکنان آنجا فراهم آوردند و آنها عبارتند از: ۱. افزایش و سنگینی مالیات در دوره‌ی والیان؛ ۲. قحطی و خشکسالی؛ ۳. فقر، بیکاری و وضعیت معیشتی نامناسب؛ ۴. سخت‌گیری‌های والیان؛ ۵. جنگ‌های خانوادگی والیان.

عوامل جذب نیز عللی بودند که در عراق زمینه را برای جذب مهاجرین پشتکوهی فراهم کرده و مهم‌ترین آنها، جذابیت‌های اقتصادی و زمینه اشتغال در شهرهای عراق بود که امکان زندگی مناسبی را نوید می‌داد.

کردهای فیلی عراق که اساساً شیعیان ایرانی‌تبار هستند، در سه دوره زمانی متفاوت، بخش‌هایی از آنها ساکن عراق شده‌اند و عمدتاً در نیمه شرقی عراق و در طول مرز از شمال تا جنوب سکنی

گزیده‌اند. دوره اول: مربوط می‌شود به دوران صفویه. در این دوره که تمام کردستان تحت حاکمیت دولت ایران بود، پس از جنگ چالدران (۱۵۱۴م/ ۸۹۳ش) و شکست حکومت صفوی از عثمانی، بخشی از خاک ایران و ساکنان آن، ضمیمه امپراطوری عثمانی شد. دوره دوم مهاجرت کردهای فیلی به عراق، برمی‌گردد به سال ۱۲۴۳ شمسی که در این دوره کردهای فیلی به دلیل ستم والیان پشتکوه، افزایش مالیات، قحطی و خشکسالی‌های پی‌درپی در ایران از یک طرف و اوضاع مساعد اقتصادی در عراق از دیگر سو، به امید زندگی بهتر بالاجبار جلای وطن کردند و ساکن این کشور شدند. دوره سوم مربوط است به سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۰۴ شمسی که در این دوران، رضاشاه علی‌رغم سرکوب کردهای فیلی، از ترس قدرت و نفوذ آنها، سیاست تحمیل فشار اقتصادی را در مورد آنان اجرا کرد تا مجبور شوند برای امرار معاش به عراق کوچ کنند. کردهای فیلی علی‌رغم انفکاک جغرافیایی با هم‌نوعانشان که به دلایل مختلف به عراق مهاجرت کرده بودند. اما پیوستگی تمدنی، قومی، قبیله‌ای، نژادی و مذهبی خود را حفظ کردند و در حاشیه مرزهای غربی ایران در سه استان دیالی، واسط و میسان مرادوات تنگاتنگی بینشان بوده و امروزه در عراق جدید نیز وجود دارد.

به عنوان مثال در یکی از اسناد مرتبط چنین آمده است: اوایل سال ۱۳۰۲هـ/ ۱۹۲۳ به دنبال مناسبات نزدیک غلامرضاخان با انگلیسی‌ها از حکومت عراق که تحت رهبری ملک فیصل بود، درخواست مسافرت به بغداد و عتبات عالیات را نمود. این تقاضا مورد قبول حکومت عراق قرار گرفت. غلامرضاخان از راه بدره، مندلی، شهبان نام محلی شهبان مرکز دیالی<sup>۱</sup> به بغداد رفت و مورد استقبال باشکوهی قرار گرفت. والی در این مسافرت، خانه، کارونسرا، باغ و املاک دیگری را در عراق به اسم فرزندانش خریداری کرد. علاوه بر املاک، غلامرضاخان ارتباط سببی هم با عراق داشت. نقیب‌الاشرف مندلی، سید عزالدین از خاندان قدرتمند نقیبی و نماینده مجلس و سید بحرالعلوم از علمای بانفوذ عتبات داماد والی بودند. عراق از دیرباز آسان‌ترین مسیر برای کار و در امان ماندن اهالی پشتکوه بود. به عنوان مثال بعد از روی کار آمدن رضاخان و نفوذ روزافزون حکومت مرکزی به پشتکوه، با تغییری که در سیاست کلی رضاشاه برای استیلا بر کل کشور از جمله پشتکوه به وجود آورده بود، غلامرضاخان آخرین والی پشتکوه با درک شرایط، برخلاف معمول هر سال که قشلاق را در منصورآباد (مهران) می‌گذراند، در سال ۱۳۰۶ش/ ۱۹۲۷م باغشاهی ملک شخصی خود در خاک عراق را به عنوان محل قشلاق خود و عمل‌اش برگزید و در فصل پاییز به آنجا رفت. هدف او از این انتخاب آن بود که اگر از طرف نظامیان رضاشاه تهدید شد، به راحتی به خاک عراق فرار کند (مرکز اسناد و کتابخانه ملی، موضوع تأسیس اداره‌ی مالیه در پشتکوه، شماره ۲۴۰۰۱۱۰۶۹).

## ارتباطات اجتماعی کردهای فیلی عراق با ایران

کردهای فیلی ساکن عراق، از دوران عثمانی تا حکمرانی رژیم بعث در عراق، ارتباطات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی بسیار گسترده‌ای با این سوی مرز در ایران به ویژه کردهای فیلی ایلام داشتند. قرابت زبانی و فرهنگی و تاریخی، از مهم‌ترین علل این پیوند عمیق اجتماعی است. با تشکیل اقلیم کردستان عراق، باز هم مناطق کردهای فیلی دو تیکه شد. منطقه خانقین تحت حاکمیت اقلیم درآمد و ساکنین مندلی، بدره، زرباطیه، کوت و... تحت حاکمیت دولت مرکزی عراق گرفتند. ایراد کار اینجا بود که کردهای فیلی از نظر گویش به اقلیم و از نظر مذهبی، به دولت مرکزی اشتراک دارند.

هم‌اکنون کردهای فیلی در کوچه مروی تهران، حسینی‌های به نام کردهای فیلی دارند. همگی



این کردها، چه آنهایی که در تهران و دیگر شهرهای ایران زندگی می‌کنند و چه آنهایی که در آن سوی مرز ساکن کشور عراق هستند، هنوز هم خود را با هویت کرد فیلی و با همان عناوینی که کردهای ساکن ایلام مثل ارکوازی، خزل، کردعلی، ملکشاهی و بدرهای بدان شهرت دارند، معرفی می‌کنند و با اقوام و بستگان خود در استان ایلام و کرمانشاه ارتباط نزدیک دارند.

علیرغم اینکه رژیم بعث عراق، این گروه از کردها را به علت شیعه بودن، از کردهای شافعی در شمال کشور عراق جدا نمود و از سر اجبار در مناطق شرقی عراقی علی‌الخصوص در استان دیاله و شهرهای مقدادییه، مندلی، بدره و... اسکان داد، اما باز هم پس از گذشت سالیان متمادی و آمیخته شدن با عرب‌ها، با وجود تبعیض‌های گسترده حکومت و فشار گروه‌های وابسته به صدام، همچنان به بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ کردی خود پایبندند، به طوری که در سال‌های گذشته در مراسمات و مناسک مذهبی با همان گویش و لهجه محلی، آئین‌های سنتی خود را انجام می‌دهند.

### \* وضعیت اقتصادی کردهای فیلی در عراق

شغل اصلی اکثر کردهای فیلی در مناطق مرزی ایران و عراق، دامپروری و کشاورزی بوده است. در برخی مناطق، محل سکونت آنها از نفت‌خانه در شمال تا عین خوش در دهلران، دارای منابع بزرگ نفتی است، اما علیرغم همه این مواهب الهی، شرایط مناسب تجاری و اقتصادی عراق، باعث جذب کردهای فیلی برای مهاجرت به عراق بود.

پس از به رسمیت شناختن اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و سیل مهاجرت یهودیان عراق به آنجا، کردهای فیلی که اغلب در حجره‌های تجار یهودی مشغول کار بودند، کم‌کم جای یهودیان را در بازار بغداد گرفتند. از این زمان به بعد، کسب و کار کردهای فیلی در عراق رونق می‌گیرد. از طرفی، به دلیل محدودیت حضور کردهای فیلی در سیاست، اغلب فعالیت خود را صرف امور اقتصادی و تجاری می‌کردند، به ویژه در شهر بغداد و بازار شوره بغداد و محله عقداالاکراد که اکثر مغازه‌داران و تجار آن از کردهای فیلی بودند. این جایگاه ممتاز اقتصادی و موقعیت مناسب مالی، دلیلی شد تا بعدها رژیم بعث اقدام به مصادره اموال و دارایی‌های کردهای فیلی کند، با این بهانه که آنها ایرانی‌الاصولند و ریشه عراقی ندارند. در یک مورد به بهانه حاکمیت مجدد ایران بر جزایر ابوموسی و تنب کوچک و بزرگ در دوران حسن الکبر که دولت عراق آن را اشغال جزایر تفسیر نمود و در واکنش به این اقدام در سال ۱۹۷۱، ۷۰ هزار نفر از کردهای فیلی از جمله ۵۰ نفر از تجار و بازرگانان را از عراق اخراج نمود.

در هر حال، صرف‌نظر از فشارهای سیاسی رژیم بعث بر کردهای فیلی از نظر اجتماعی با تلاش‌ها و موفقیت‌های اقتصادی توانسته بودند در جامعه عراق جذب شوند و به عنوان شهروندانی قابل اعتماد شناخته شوند.

### \* هویت

از نظر آیزنشتات، هویت جمعی به طور طبیعی خلق نمی‌شود؛ بلکه با ساخت اجتماعی مرزها خلق می‌گردد؛ مرزها، تمایز بین درون و بیرون، غریبه و آشنا، خویشاوند و غیرخویشاوند، دوست و دشمن و... را بنیان می‌نهد (Eisenstsdt, 1998, 235).

هویت جمعی و آگاهی جمعی همانند اکثر حوزه‌های حیات اجتماعی، برساخته‌ی مدل‌های نظم فرهنگی و اجتماعی و کدها و چارچوب‌های عام هستی‌شناختی است که در چارچوب آنها

پنداشت‌ها و تصورات رایج در باب نظم اجتماعی، حوزه‌های عمده تعامل اجتماعی، ساختار ترجیحات و مرزبندی‌های هویتی تعریف و تصریح می‌گردد. مطابق نظر آیزنشتات، مدل‌های نظم فرهنگی و اجتماعی در نهایت با فرآیندهای منازعه و رقابت بر سر کنترل و تخصیص منابع و منازعه بر سر هژمونی گفتمانی در ارتباط است (Eisenstsd, 1998, 230; 1998b, 141).

### \* هویت زدایی از کردهای فیلی

رژیم بعث در اوایل جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران با هدف تبدیل کردن مرزهای شرقی عراق به جبهه جنگ با ایران، این مناطق را که از خانقین و مندلی شروع و به علی شرقی و میسان ختم می‌شد، از وجود کردهای فیلی تخلیه کرد و بسیاری از آنها را به اتهام اصالت ایرانی به اجبار روانه ایران کرد. آزار و اذیت کردهای فیلی در زمان صدام به جایی رسید، آنها که بیشتر به زبان کردی فیلی صحبت می‌کردند، به منظور حفظ جانشان، علاوه بر مهاجرت به مناطق عرب‌نشین، تکلم به زبان کردی را در بین خودشان محدود سازند. بسیاری از کردهای فیلی پس از سقوط رژیم بعث به کشور خود بازگشتند، اما به دلیل ویرانی شهرهایشان در استان‌های مرزی این کشور با عراق، همچنان در بغداد و شهرهای دیگر آواره شدند. رژیم بعث از بیم اینکه جوانان کرد فیلی پس از مهاجرت اجباری به ایران به عنوان نیروهای مقاومت علیه این رژیم بجنگند، آنها را از خانواده‌هایشان جدا کرده و به زندان انداخت و سپس بدون هیچ محاکمه‌ای به قتل رساند که هنوز از سرنوشت آنها خبری نیست (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹/۹/۱۲).

سیاست هویت‌زدایی رژیم بعث علیه کردهای فیلی طی سال‌های طولانی حاکمیت این رژیم بر عراق باعث شده است که بسیاری از کردهای فیلی، حتی منکر هویت قومی خود شوند. برخی از این افراد از گذشته جزو شخصیت‌های طراز اول سیاسی عراق بوده اند. در میان چهار نفر عضو مؤسس حزب اتحادی به میهنی کردستان عراق، دو تن از آنان یعنی «عادل مراد» و «عبدالرزاق میرزا» کرد فیلی بودند (فیاض، ۱۳۹۳: ۶۱). در حزب دموکرات کردستان عراق نیز برخی از کردهای فیلی مثل حبیب محمدکریم که برای چندین سال به عنوان دبیر کل حزب دموکرات برگزیده شد و خانم زکیه اسماعیل حقی، حسین و یداله فیلی از کردهای فیلی و رده بالای حزب به شمار می‌آمدند. در این بین حبیب محمدکریم در سال ۱۹۷۰ (و در پی توافق بین دولت عراق و حزب دموکرات) از سوی حزب دموکرات به عنوان معاون رئیس جمهور عراق معرفی شد، اما حزب بعث به این بهانه که ایرانی تبار است، نپذیرفت. علیرغم اینکه کردهای داخل و خارج از عراق بیش از ۱/۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شوند و سومین قومیت بزرگ عراقی به شمار می‌آیند، اما در مقایسه با اقلیت ترکمن و مسیحی و حتی ایزدی‌ها و شبکه‌ها، کمترین اثرگذاری را در صحنه سیاسی عراق دارند. سیاست ارباب و اخراج، در سال ۱۳۵۹/۱۹۸۰ در زمان صدام حسین به اوج خود رسید و طی آن بالغ بر ۷۰ هزار کرد فیلی بعد از مصادره اموال، روانه خاک ایران شدند.

عصام الفیلی استاد علوم سیاسی دانشگاه مستنصریه بغداد می‌گوید: «کردهای فیلی اعتقاد دارند که احزاب کردی به عنوان منکران اصل خود، به آنها نگاه می‌کنند و این عقیده‌ای است که هرگز احزاب شمال عراق نتوانسته‌اند از آن رهایی پیدا کنند.

به گفته وی، جغرافیایی که کردهای فیلی در آن زندگی می‌کنند بر اعتقادات آنها تأثیر زیادی گذاشته و به دلیل تداخل مناطق آنها با مناطق عرب‌نشین، تعهدات خاصی بر آنها نهاده و این چنین است که جغرافیا حکم دشواری را بر آنها تحمیل کرده است. کردها که قریب به ۲۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، به لحاظ فرهنگی و بعضاً دینی و زبانی با اعراب متمایزند، اما

درون خود نیز انسجام کامل ندارند. بخشی از آن به ساخت قبیلگی جامعه کرد مربوط می‌شود و بخش دیگر به اختلافات فرهنگی- دینی و زبانی آنها برمی‌گردد. درست است که کردها از شمال تا جنوب اغلب در شرق عراق پراکنده‌اند، اما به اندازه همین پراکندگی هم تنوع گویشی، فرهنگی و دینی هم دارند.

کردهای فیلی که در طول انتخابات‌های گذشته به دلیل هضم شدن در احزاب حاکم، کمترین سهم را در پارلمان عراق داشته‌اند، با پیگیری‌های فراوان موفق شده‌اند که یک سهم «کوتا» را در انتخابات گذشته به آنها اختصاص دهند. کوتا، سهم ثابتی از کرسی‌های پارلمان عراق است که در قانون برای اقلیت‌های عراق در نظر گرفته شده است.

در راستای احیاء هویت این اقلیت اجتماعی بزرگ عراق در سال ۲۰۱۳ با کمک شیخ محمدسعید النعمانی یکی از روحانیون برجسته کرد فیلی، اولین و تنها شبکه تلویزیونی خاص کرد های فیلی را تحت عنوان الاشراف برای دفاع از حقوق کردهای فیلی راه اندازی کند تا بهانه‌ای برای حفظ زبان و فرهنگ این اقلیت قومی و همچنین ارگان رسانه‌ای گروه سیاسی‌اش باشد محتوای این شبکه اغلب از تولیدات نمایشی، مستند، داستانی و... است که از شبکه تلویزیونی ایلام تامین می‌شود (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۹۹/۲/۸).

### \* امنیت ایران

در جهان پرتلاطم امروزی، برای امنیت کشور بهترین شیوه، برگزیدن سیاستی هوشمندانه در بستر اطلاعات کافی و دسته‌بندی آنها به صورت یک برنامه راهبردی معین است. نظام جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به جغرافیای پرچالش خاورمیانه و واقع شدن در کانون بحران‌های منطقه، در جهت حفظ منافع ملی، با توجه به شرایط ناپایدار امنیتی به ویژه پس از سقوط صدام و حضور گروه‌های تروریستی در کشور عراق، به دنبال بازدارندگی از تهاجم احتمالی به کشور و حفظ مرزهای مشترک با همسایه غربی است.

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به بهانه مبارزه با تروریسم و پیروزی سریع بر رژیم بعث و به دنبال آن ماندگاری آمریکا در عراق را رقم زد که برای آمریکا را با هزینه‌های بسیار روبرو کرد. این حضور طولانی آمریکا و جنگ فرسایشی، آثار زیانبار فراوانی بر امنیت مرزی ایران تحمیل کرد و سبب شکل‌گیری هسته اولیه گروه‌های تروریستی در عراق با هدف مبارزه با نیروهای آمریکایی شد. خروج آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ و رقابت دیرینه عربستان سعودی، به عنوان حامی صدام در طول جنگ با ایران در میان خلاء قدرت در کشور جنگ‌زده عراق، باعث روبرو شدن شیعیان هوادار ایران (کردهای فیلی و سایر گروه‌های شیعی) و بعثیون مورد حمایت عربستان سعودی شد. تبعات این شرایط موجب ناامنی در مرزهای غربی شد، به طوری که درگیری‌ها به چند کیلومتری مرزهای استان ایلام و کرمانشاه کشیده شد. ظهور و گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه، نمونه‌ای از بحران‌های امنیتی منطقه غرب آسیاست که علاوه بر اینکه یک تهدید نظامی علیه عراق و سوریه محسوب می‌شود، تهدیدی جدی برای فروپاشی انسجام قومی کشورهای منطقه از جمله همسایگان این دو کشور مسلمان، به شمار می‌رود.

بر همین اساس، هنری کسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا در مقاله خود با عنوان «هرج و مرج در جهان در حال تغییر» با اشاره به جایگاه تاریخی ایران و نفوذ این کشور در منطقه غرب آسیا، ایران را توانمندترین کشور منطقه برای ایجاد هژمونی و تشکیل امپراطوری بزرگ در خاورمیانه

می‌داند و می‌گوید: در حال حاضر تهدید ایران بسیار مهم‌تر و بزرگتر از داعش است. بر همین اساس بحران‌سازی امنیتی داعش در عراق و سوریه و دخالت آمریکا و غرب، اساساً برای رفع تهدیدات ایران بوده است.

آنچه که آمریکا در غرب آسیا تعقیب می‌کند، طرحی جامع برای تقابل با قدرت‌گیری شیعیان در منطقه است و این امر با تقویت جریان تکفیری و ناامنی عراق به عنوان یکی از کانون‌های مهم شیعیان در دستور کار سیاستمداران آمریکایی است.

عراق جدید مانند گذشته یک تهدید نظامی جدی برای ایران محسوب نمی‌شود، اما همچنان زمینه‌های بالقوه هدایت تنش و ناامنی به حوزه امنیت ملی ایران را دارد. مسائل امنیتی در شرایط جدید عراق تغییر جدی کرده است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین چالش، ناشی از رقابت گروه‌های قومی در داخل عراق به ویژه در شرق این کشور است که به حوزه امنیت ملی ایران نیز وارد می‌شود (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۳).

در طول سال‌های پس از استقلال عراق، حضور هویت‌های کاملاً مستقل کرد، سنی و شیعه در مناطق شمالی، میانی و جنوبی این کشور و چگونگی حفظ تعادل میان آنها، همواره منجر به تنش در سطح داخلی و منطقه‌ای بوده است، آثار منفی این تنش‌ها بر امنیت ملی ایران نیز سایه افکنده است. آنتونی گیدنز می‌گوید: «هویت، منبع معنا برای کنشگران است. انسان با احساس عدم هویت، احساس عدم امنیت هم خواهد داشت. احساس امنیت برای آدمی به قدری ضرورت دارد که برای تأمین آن، چه بسا حاضر باشد به آزادی هم پشت پا بزند (علیخانی، ۱۳۸۶: ۴۲).

### \* تهدیدها و فرصت‌های کردهای فیلی

در حوزه غربی و تا حدودی جنوب غربی ایران؛ از مرز خسروی تا ابتدای دشت آزادگان در استان خوزستان، زیست‌بوم مردمی است که دارای نژاد و اصلیت ایرانی است. وجود این قوم ریشه‌دار در طول نوار مرزی، فرصت‌ها، قابلیت‌ها و در عین حال تهدیدات و آسیب‌هایی را در بطن خود دارد.

محدوده‌ی جغرافیایی که کردهای فیلی در آن مأوا گرفته‌اند به شدت تحت تأثیر متغیرهای داخلی و فرامرزی است. کردهای فیلی در ادوار گذشته تا مقطع کنونی، میراث‌دار فرهنگ کهن ایرانی-اسلامی بوده‌اند. اشتراکات فرهنگی و تاریخی نژادی-قومی، مذهبی و فرهنگی، بستری را فراهم می‌آورد که تصمیم‌گیران عرصه‌ی سیاسی ایران را به استفاده از فرصت‌ها برای به حداقل رساندن تهدیدات در محیط امنیتی و نیز اشاعه هویت ایرانی اسلامی و به تبع تأمین امنیت ملی ترغیب می‌کند.

با وجود قرابت فرهنگی و مذهبی و جغرافیایی کردهای فیلی ایران و عراق، اما قرار گرفتن در بین تعارض حکمرانی اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق سرگردانند، چرا که از یک سو به لحاظ زبانی و آداب و رسوم به اقلیم نزدیک‌اند و از لحاظ مذهبی به دولت مرکزی این دوگانگی باعث شده که در هرم قدرت عراق جایگاه چندانی نداشته باشند، از سوی دیگر علیرغم ظرفیت‌های طبیعی و اقتصادی با وجود جمعیت جوان در دو سوی مرز (حدود نیمی از این جمعیت به راحتی به وسیله‌ی گروه‌های برانداز و سودجو تحریک می‌شوند) و سرمایه‌گذاری سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل برای جذب و هدایت برخی از جوانان در حاشیه مرزهای دو کشور از جمله زمینه‌هایی است که در صورت عدم توجه به آنها از سوی ایران، احتمال سوءاستفاده از آنان بر ضد امنیت ملی ایران مهیاست.

در سال‌های گذشته و پس از برقراری منطقه امن در شمال عراق و خارج شدن سه استان سلیمانیه، دهوک و اربیل از کنترل دولت مرکزی عراق و رسمیت یافتن زبان کردی در مدارس و دانشگاه‌ها از یک طرف و تشکیل نیروی نظامی و انتظامی مستقل از سوی دیگر، نگرانی‌هایی را برای همسایگان از جمله ایران، نسبت به نیت کردها و استقلال‌جویی آنها به ویژه پس از برگزاری فرآیند ۲۰۱۷ (۳ مهر ۱۳۹۶) ایجاد کرده است.

به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، بی‌تردید ایران را به عنوان قدرت برتر منطقه غرب آسیا مطرح می‌کند. این امر سبب نگرانی جدی در جهان عرب به ویژه عربستان سعودی می‌شد که جمعیت شیعی قابل توجهی را در استان شرقی و نفت‌خیز خود یعنی منطقه الاحساء دارد. این شیعیان ارتباط قوی با شیعیان جنوب عراق دارند، مسئله‌ای که موجب شده است عربستان سعودی گروه‌های تروریستی درون عراق را حمایت مالی کند تا در مقابل سیاست‌های فرامرزی جمهوری اسلامی ایران ایستادگی کند و نهایتاً به جنگ‌های نیابتی تمام‌عیار دامن بزند.

از سوی دیگر، انحلال ارتش بعث توسط آمریکا با بیش از یکصد هزار نفر از اعضای سرویس‌های اطلاعاتی، گارد ریاست جمهوری و فدائیان صدام در کنار نیروهای القاعده که در پی خروج آمریکا از افغانستان در سطح منطقه به ویژه عراق پراکنده شده بودند، آمریکا و کشورهای هم‌پیمان او بر آن داشت تا بر اساس راهبرد موسوم به «لانه زنبور» برای مهار و نفوذ ایران در منطقه، داعش را بنیان نهند. «وسلی کلارک» فرمانده اسبق آمریکا، این استراتژی را در راستای مقابله با حزب‌الله و محور ضد اسرائیلی اعلام کرده بود. او به CNN گفته بود: برای مهار ایران و حزب‌الله باید به دنبال افرادی بود که تا پای جان بجنگند (کیهان، ۱۳۹۴: ۶).

تمام این مشکلات به علاوه زمزمه جدایی کردستان از عراق و وجود بزرگترین گروه تروریستی جهان در این کشور، تهدیدها و فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران با حدود ۱۶۰۹ کیلومتر مرز مشترک فراهم می‌کند که اگر به درستی مدیریت نشود، امنیت داخلی ایران را به خطر انداخته و احتمالاً در پی حوادث سال ۱۴۰۱ و مرگ مهسا امینی، باعث تقویت تجزیه‌طلبان در برخی از استان‌های کردشین مرزی به ویژه ایلام خواهد شد.

### \* هویت، رسانه و دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی از طریق ارتباط اجتماعی بین کشورها به ویژه ملت‌های دارای اشتراکات فرهنگی و مذهبی، می‌تواند زمینه انتقال هنجارها و ایدئولوژیک را به دیگر کشورها فراهم کند. به عبارت دیگر، تلاش‌های دولت‌ها برای تأثیرگذاری بر ذهن و افکار عامه مردم دیگر کشورهاست. امروز مهم‌ترین ابزار این اثرگذاری و تغییر در رفتار جامعه، هدف رسانه است که با مدیریت صحیح و هدفمند آن، می‌توان آرمان‌ها و ارزش‌های مشترک را در دیگر کشورها ارزش پذیرفته شده تلقی کنند. جوزف نای، دیپلماسی عمومی را در سه سطح تقسیم‌بندی می‌کند: یکی سطح «ارتباطات روزانه» که توسط روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها انجام می‌گیرد. در این سطح، بازیگران مذکور می‌کوشند ارزش‌ها و هنجارهای خود را به مخاطبان کشور دیگر انتقال دهند. سطح دوم «روابط استراتژیک» است. در این سطح پیام‌های استراتژیک از طریق ابزار رسانه به مخاطبان خارجی منتقل می‌شود. مهم‌ترین مؤلفه در انتقال پیام‌های استراتژیک، حفظ انسجام است. سومین سطح و شاید بتوان گفت مهم‌ترین سطح دیپلماسی عمومی که در حکم قلب این مفهوم قلمداد می‌شود، «گسترش روابط بلندمدت» است که حول مبادلات، همایش‌ها و دسترسی به شبکه‌های رسانه‌ای صورت می‌پذیرد. جوزف نای علاوه بر دیپلماسی عمومی، مبدع نظریه قدرت

نرم نیز هست. او بر این عقیده است که قدرت نرم با ابزار رسانه ای، توجه ویژه‌ای به اشغال ذهنی کشورهای دیگر از طریق ایجاد جاذبه می‌کند.

توانایی ایجاد رضایت در مخاطب به وسیله ایجاد جذابیت در فرهنگ و ارزش‌ها از طریق متقاعد کردن، همان قدرت نرم است که در برابر شیوه آمرانه در قدرت سخت به کار می‌رود (دارا خاکی، ۱۳۹۷: ۵۹). از دیدگاه قدرت نرم، این موضوع منجر به کاهش هزینه‌های اقدام و نیز مشروعیت‌بخشی به اقدامات سیاسی خواهد شد. (جمشیدی و محمدی گهرویی، ۱۳۹۱: ۲).

جوزف نای، قدرت را در سه دسته فرهنگی، عقیدتی و نهادی تقسیم‌بندی می‌کند (کریمی‌فرد، ۱۳۹۹: ۸۴). از نظر جوزف نای، مفهوم قدرت در حال تغییر از قدرت سخت به عناصر معنایی مانند توان تولید [محصولات] فرهنگی و قدرت جذابیت در حال حرکت است (عباس‌زاده فتح‌آبادی و رحیمی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۱۹۳).

رسانه‌ها به ویژه تلویزیون تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر افکار عمومی دارند. رسانه و اتاق فکری که منجر به برنامه‌های اثرگذار در ساختارهای مختلف به تناسب نیاز مخاطب می‌شود، از مهمترین ابزارهای اغنایی به شمار می‌آیند. کاربرد دیگر رسانه اجماع‌سازی، سطح نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های جهانی است. آمریکا بیشترین استفاده را در راستای اجماع جهانی از این نهادها به عمل آورده است. مسائل کردهای فیلی در سطح منطقه‌ای با استفاده از ظرفیت نهادهایی مثل دانشگاه‌ها، کرسی‌های علمی و پژوهشی، بنیادهای فکری و سیاستگذاری، ژورنال‌های تخصصی، کنفرانس‌های بین‌المللی و شبکه‌های رسانه‌ای مشترک می‌توان بازنمایی شوند. در نقطه مقابل آمریکا، با حمایت از برخی شبکه‌های برانداز و تجزیه طلب کردی در ۴۰ سال گذشته با بودجه‌های رسمی مصوب دولتی یا بودجه‌های سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و سرویس‌های جاسوسی غربی و عبری تغذیه می‌شوند. برجسته‌سازی و بازنمایی تهدید ایران، مهمترین پروژه رسانه‌های وابسته به بنگاه تبلیغاتی آمریکا است که به صورت هماهنگ در شبکه‌های تلویزیونی کردی و فارسی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با طرح مسائلی نظیر حقوق بشر و تفاوت در هنجارهای دنیای غرب و جمهوری اسلامی ایران به عنوان اهرم فشار برای اعمال سیاست‌های خود بر ایران از آن استفاده می‌کنند. حمایت ایران از مقاومت فلسطین و لبنان به عنوان حمایت از تروریسم بین‌الملل، دومین محوری است که رسانه‌های مورد حمایت آمریکا و اسرائیل به بهانه آن ایران را هدف عملیات رسانه‌ای خود قرار داده‌اند و با طرح مشکلات داخلی به ویژه اقتصادی مردم در مناطق کرد نشین و تولید محتوا در این رابطه به صورت مستمر به تحقق اهداف سیاستگذاران پشت پرده این رسانه‌ها می‌اندیشند. شبکه استانی ایلام علاوه بر تولید محتوای گفتاری با بازنمایی انواع هنرها، تصاویر، آواها نواها نیز به تولید برنامه می‌پردازد. در این زمینه برنامه‌هایی با هنرمندان صنایع دستی تولید می‌شود که به بررسی و نقش هنرهای دستی پوش (کلاش) تا لباس و سربند و ... در مناطق مختلف استان از کرد و لر و لک گرفته تا عرب را در قالب رنگین کمان فرهنگی کردهای فیلی به تصویر می‌کشد و همین برنامه‌ها هم در ساختارهای مستند و گزارش و کلیپ در شبکه‌های اشراق بازپخش می‌شوند. در سایر قالب‌های برنامه‌سازی از مراسمات شادی مثل عروسی تا جشن فرزند آوری و برداشت محصول و کار آواهای خاص کردی با گویش‌های مختلف از بیت مشک تا هوره و جشن‌های برداشت محصول با بهره‌گیری از موسیقی سنتی بازتولید و در شبکه‌های فیلی نیز بازپخش می‌شوند و اتفاقاً با استقبال خوبی هم مواجه شده است.

روایت رسانه ای در حقیقت انتقال این تعبیر و تفاسیر افراد یک ملت از کیفیت زندگی خویش به بیان هنرمندانه در قالب برنامه های جذاب تلویزیونی است، که ما را قادر می سازد به زندگی، ایده ها و خواسته های آن ملت به صورت یک کل به هم پیوسته و منسجم توجه کنیم.

## \* رسانه

یکی از ابعاد جهانی شدن، از میان برداشته شدن مرزهای زمانی و مکانی با توسعه رسانه هاست که از مؤلفه های مهم در قدرت نرم هر کشوری به شمار می آید. مفهوم قدرت نرم را ابتدا جوزف نای در سال ۱۹۹۰ در مقاله ای تحت عنوان «گمراه کنندگی استعاره انحطاط» مطرح کرد. او در این مقاله به سیاستمداران آمریکا توصیه می کند: «اگر آمریکا تنها ۲ درصد از مبلغ تولید ناخالص داخلی را به برنامه های اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقاء دهد و هم کمک های مؤثر و اطلاعات مورد نظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت از قدرت سخت دست می یابد.» نای در ادامه قدرت نرم را این گونه تعریف می کند که «توانایی کسب چیزی است که می خواهیم، آن هم از طریق جذب، نه اجبار.» او این نوع قدرت را ماحصل روابط با متحدان کمک های اقتصادی و تبادلات فرهنگی می داند (اسمعیلی، مرتضی، ۱۳۹۶). که این شرایط برای رسانه استان ایلام در بازنمایی هویت کردهای فیلی فراهم است.

استیون لوکس نیز در توضیح بعد سوم قدرت معتقد است: «قدرتی که ماهیت آن متفاوت شده و چهره تازه ای یافته و مبتنی بر ذهنیت پردازی و اقلان سازی است. در این رویکرد، زور عریان و خشونت، نمود کمتری دارد، داشته و خواسته ها از طریق مجذوب کردن صورت می گیرد.» (لوکس، ۱۳۷۵: ۴۱). در بین رسانه ها تلویزیون می تواند به طور قابل ملاحظه ای فراگرد جامعه پذیری را در عصر تکنولوژی جهت دهد. در سطح ملی و منطقه ای می توان مسائل هویتی کردهای فیلی را در قالب نهادهای علمی و پژوهشی، بنیادهای فکری، پذیرش دانشجو در دانشگاه های ایلام، کرسی های فرهنگی و تاریخی، ژورنال های تخصصی، کنفرانس های بین المللی و تولید برنامه از این تبادلات فرهنگی و پخش آن در شبکه های رسانه ای مشترک کردی منجر به بازنمایی هویتی می شود. در نقطه مقابل آمریکا، با حمایت از برخی شبکه های برانداز و تجزیه طلب کردی در ۴۰ سال گذشته با بودجه های رسمی مصوب پارلمان ها یا سازمان های اطلاعاتی، امنیتی و سرویس های جاسوسی غربی و عبری با استفاده از تکنیک برجسته سازی و بازنمایی نا امنی در ایران، مهمترین پروژه رسانه های وابسته به بنگاه تبلیغاتی خود را پشتیبانی می کند. در این زمینه شبکه های تلویزیونی کردی و فارسی به صورت هماهنگ در سه سطح ملی، منطقه ای و بین المللی با طرح مسائلی نظیر: آزادی بیان، حقوق بشر، سکو لاریسم، مسائل قومی و مذهبی و دوگانه هنجارهای شکل دهنده دنیای غرب و جمهوری اسلامی ایران به عنوان اهرمی برای اعمال فشار بر ایران استفاده می کنند. نمایندگان آمریکا در فاصله سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸ (یعنی ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۸) شش سند در کنگره آمریکا اعم از مجلس نمایندگان و سنا به منظور فعال کردن رسانه ها علیه ایران تصویب کردند وجود یکی از طراحان این اسناد فرانک ولف است که در سال ۱۹۹۸ طرحی را برای تشویق رسانه هایی که بر مسئله ایران تمرکز کنند ارائه داد و در آن از کنگره خواست مبالغ معینی در حدود ۲۰ هزار دلار را برای هر کدام از این شبکه ها به ویژه تلویزیون های کردی اختصاص دهد. یکی دیگر از برنامه های کنگره مکلف کردن شورای رسانه ای آمریکا برای تهیه برنامه های تلویزیونی علیه ایران و شبکه سازی گسترده تولید و نشر پیام با هدف تغییر نظام در ایران بود، با ادعای حمایت از دموکراسی و آزادی بیان مدیریت و حمایت می شدند در این راستا برد شرمن در ژوئن ۲۰۰۳ طرحی را به مجلس نمایندگان ارائه داد تا در شبکه تلویزیونی بی بی

جی آمریکا به حقوق اقلیت‌های کرد زبان و سایر اقلیت‌ها توجه ویژه‌ای شود. سناتور سام برونبک نیز در سال ۲۰۰۳ با طرح‌هایی مشابه خواستار استفاده از ابزار رسانه برای تقویت نگاه قومی در ایران شد. کمک به شبکه‌های تلویزیونی برای تولید برنامه‌هایی که حقوق بشر و دموکراسی در ایران را ترویج کند از مهمترین اهداف آنها به شمار می‌رود.

مطلب دیگر اینکه جریانهای تجزیه طلب کردی با حمایت آمریکا و اسرائیل از سال ۱۹۹۵ شبکه‌های تلویزیونی را از اروپا برای مخاطبان کرد زبان در غرب آسیا و سایر نقاط جهان با هدف دستیابی به مقاصد و اگرایانه آغاز کردند. یکی از آنها شبکه پر بیننده **روزه لات** است. این شبکه تلویزیونی با گرایش سوسیالیستی و حمایت حزب کمونیست ایران از کشور سوئد به دو زبان کردی و فارسی برنامه پخش می‌کند. عمده فعالیت این شبکه روی کردهای ایران متمرکز شده و یکی از پربیننده ترین شبکه‌های تلویزیونی کردی است. این شبکه اگرچه رسانه رسمی حزب کومله است، ولی تلاش کرده تا افکار و عقائد متنوع کردنشینان را منعکس کند. برنامه‌های این شبکه شامل: اخبار، تحلیل روز، میزگردهای سیاسی، مصاحبه با شخصیت‌ها و رهبران احزاب کرد و برنامه‌های فرهنگی و پخش فیلم‌های مستند است. عمده ترین محور اخبار و گزارشهای این شبکه عبارتند از:

- بازنمایی فعالیت‌ها و بیوگرافی شخصیت‌های سیاسی علمی ادبی فرهنگی و ورزشی کرد زبان
- بررسی تحولات سیاسی و امنیتی ایران، عراق و سوریه
- بررسی اخبار و رویدادهای سیاسی و امنیتی داخل ایران به ویژه نادیده گرفتن حقوق زندانیان سیاسی
- دامن زدن به اختلافات داخلی کشور به ویژه در مناطق کردی

بررسی‌های نشانه‌شناسی در شبکه روزه لات و دیگر شبکه‌های کردی مورد حمایت آمریکا و اسرائیل بیانگر پیوستگی تعریف هویت کرد عراق با ایران است و علیرغم اینکه هویت مستقل را برای کردستان القاء نمی‌کند اما استقلال خواهی و داعیه تشکیل کردستان بزرگ را در سر می‌پرورانند (روهنده، ۱۳۹۴: ۴۰۳). نوروز TV، کومله، آسوسیت، تیشک، کرد TV، روداو، پیام، کردستان، چراو، کوره ک و دهها شبکه‌های تلویزیونی کردی معاند دیگر دو ویژگی عمده دارند: اولاً، مخاطبان کرد زبان هم در داخل ایران و هم در سایر نقاط جهان دارند. و ثانیاً هم به زبان کردی و هم فارسی برنامه دارند و اخبار و گزارشهای مربوط به ایران از جمله استانهای کرد نشین را تولید و پخش می‌کنند. در حقیقت آنها سعی می‌کنند به تقویت و ترویج هنجارها و ارزشهای سیاسی، فرهنگی و هویتی خود بپردازند. شبکه‌های کرد زبان مورد حمایت امپراطوری رسانه‌های غرب در صدد تغییر لایحه‌های بنیادین فرهنگ ایرانی/اسلامی و تغییر ذائقه به سمت سبک زندگی غربی و هویت زدایی از اعتقاد و آرمان‌های اسلامی و بی تفاوتی نسبت به دین و مناسک مذهبی، به عنوان محور هویت ایرانی و تغییر باورها به سوی نوعی سکولاریسم و عرفی سازی و فردگرایی در دین هستند.

در حقیقت اصلی ترین مجرای ارتباطی میان دولت آمریکا، به ویژه سازمان سیا با مردم ایران، (رسانه‌های نیابتی غربی) تلویزیون‌های ماهواره‌ای کردی و فارسی زبان هستند. به نظر اعضای کمیته خطر جاری، تنها راه سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در ایران، استفاده از ظرفیت اقوام به ویژه ظرفیت ۸ میلیونی کردهای عراق با استفاده از راهبرد دلتا و تاکتیک‌های ((دکترین



مهرا)، ((نبرد رسانه‌ای)) و ((ساماندهی جنبش‌های نافرمانی مدنی)) است. در بخش راهبردها و سیاست‌های پیشنهادی کمیته چنین آمده است ((باید شبکه‌های متعدد تلویزیونی برای ایرانیان تدارک دید و پیام‌های خود را با پیشرفته‌ترین تکنولوژی روز به دست مردم ایران برسانیم (ریاحی، محمد رضا، ۱۳۹۰: ۵۹)). رسانه‌های کرد زبان که تعدادشان از ۴۰ شبکه عبور کرده است، در سال‌های اخیر توانسته‌اند بخشی از مخاطبان ایرانی (به ویژه کردهای فیلی) را به خود جذب کنند. این شبکه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران در فرایند امنیتی کردن ایران به مثابه ابزار تحقق سیاست‌های آمریکا و اسرائیل راجع به ایران عمل می‌کنند. خلاصه اینکه حضور اشغالگران آمریکایی در عراق و فعالیت شبکه‌های جاسوسی و رسانه ای امریکای اسرائیل در این کشور (به ویژه اقلیم کردستان عراق) مردم مناطق استان‌های همجوار ایلام را به یک تهدید برای امنیت ملی ایران تبدیل کرده است.

### \* رسانه و بازنمایی هویت کردهای فیلی

یکی از ابزارهای اثرگذاری بر اکثریت مردم شیعه عراق و در رأس آنها کردهای شیعه (فیلی) قدرت رسانه است. هرچند به لحاظ زیرساخت‌های فنی و هنری، فاصله زیادی با وضعیت مطلوب احساس می‌شود، اما مؤلفه‌های هویتی و داشته‌های فرهنگی و مذهبی مشترک بین مردمان دو سوی مرز، زمینه‌های مناسبی را برای بازنمایی ارزش‌های کمرنگ شده است تا در قالب برنامه‌های تلویزیونی با استفاده از قابلیت‌های بومی و محلی و ارزش‌ها و باورهای پذیرفته شده بین دو ملت که به دلایل مختلف از هم جدا شده اند و پس از سال‌ها فرصتی فراهم شود تا تهدیدهای دیروز به فرصت‌های ایده‌آل امروزی تبدیل شود. برای نیل به این استراتژی رسانه ای می توان با هدف‌گذاری صحیح و سیاست اصولی در بستر تکنولوژی رسانه‌ای، زمینه‌های بازنمایی هویتی را با فراخوانی داشته‌های مشترک به میدان اقدام و عمل آغاز کرد.

صحنه سیاسی عراق جدید محل تلاقی جنبه‌های ایدئولوژیک و عمل‌گرایانه برای تحقق منافع ملی و راهبردی تا ضمن حمایت از گروه‌های همسو، همچون کردهای فیلی و تقویت جریان شیعی در عراق، زمینه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و جاسوسی که از سوی آمریکا و اسرائیل در مناطق کردی عراق و بعضاً مناطق مرزی ایران هدایت می‌شوند، محدود کرد.

در این بین، ظرفیت رسانه‌ای استان ایلام که از پشتوانه باورهای مردمی و ارزش‌های فرهنگی، دینی و مذهبی برخوردار است را می‌توان در شمار مهم‌ترین ابزار احیاء هویت مشترک در راستای همگرایی هویتی نام برد. البته بسته به نوع کاربست آن و تولیدات اثرگذارش، می‌تواند جامعه کرد فیلی را با سیاست‌های صلح‌جویانه و امنیت‌ساز ایران همسو کند. از آنجایی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با ویژگی‌هایی همچون عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم و استکبار جهانی عجین شده است، از این لحاظ با توجه به ظلم تاریخی که در حق کردهای فیلی روا شده است، اشتراک دارد، بنابراین می‌تواند تأثیر شگرفی در همگرایی و امنیت مردمان دو سوی مرز داشته باشد. رسانه استانی ایلام از طریق روایت و داستان پردازی از تاریخ و فرهنگ تا حماسه و رشادت این قوم در ادوار گذشته و نوع زندگی این مردمان سخت کوش را روایت تصویری کندوبا تولید و بازنمایی آنها نسبت به میراث ملموس و ناملموس خود نسل جدید را با فرهنگ گذشته خود آشنا کند و این مهم در قالب مستندهای تاریخی و اجتماعی در راستای شکل دهی به جهان اجتماعی و برساخت هویت جمعی کردهای فیلی میسر می شود. این تولیدات رسانه محلی از متون خبری گرفته تا نگاه جامع یک فیلمساز و خبرنگار وقایع نگر به گونه‌ای که ما می‌خواهیم وضعیت ما را روایت می‌کند. بیننده ما، پدیده‌های تاریخی و فرهنگی و اجتماعی را در قالب

روایت می‌فهمد، و گزارش دهنده هم به عنوان یک مخاطب و هم به عنوان یک کارگزار رسانه‌ای متأثر از محتوایی است که پخش می‌شود. مجموعه این روایت‌های رسانه‌ای تصور ذهنی ما را از جهان پیرامونمان شکل می‌دهد و انگاره‌های ذهنی را برای مخاطب خلق می‌کند تا بتواند با محیط پیرامونش با آگاهی مواجه شود و احساس کند که آن را می‌شناسد (گیویان، ۱۳۸۵).

لذا زمینه‌های مساعد برای عملیات رسانه‌ای، به کارگیری ظرفیت‌های فرهنگی، دانشگاهی و تشکل‌های غیردولتی به ویژه بستر دین و مذهب و شاعران و آئین‌های محلی و در رأس آنها مناسک اربعین وجود دارد که با همراهی ابزار و تجهیزات هنری به روز، رضایت مخاطب را با ارائه جذاب محتوای فرهنگی و ارزش‌های مشترک و ایجاد رغبت در نسل‌های جدید (کرد فیلی) عراق، را فراهم نماید. تنوع در تولید محصولات فاخر هنری، با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دو کشور و تشویق دستگاه‌های سیاست‌گذار، مجریان و متصدیان به این امر می‌تواند با تولیدات انبوه و متنوع، ضمن بازسازی خلاءهای ایجاد، غبار فراموشی را هنر اساطیری مشترک دو کشور زدود و بار دیگر آواها و نواها با گویش محلی کردی در قالب مستندهای تاریخی، آداب و رسوم مشترک، آئین‌ها و مناسک را به نظاره نشست و تاریخ پرافتخار این سامان را برای نسل‌های گمشده در دنیای جدید بازنمایی کرد. تلویزیون محلی ایلام به عنوان یکی از ابزارهای مهم انتقال ارزش‌های فرهنگی و هویتی نقش مهمی را در ارتباطات اجتماعی بر عهده دارند. ارتباطات گسترده بین مردم دنیا فارغ از مرزهای سیاسی طرح ملت سازی گذشته را که همه گروه‌های قومی را در یک ملت یکپارچه ادغام می‌کرد توسط رسانه به چالش کشیده شده است (سید امامی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). لازم است که این اثرگذاری رسانه ای مورد بررسی دقیق قرار گیرد، بویژه تلویزیون که در استان‌ها با هدف احیاء فرهنگ بومی و محلی راه اندازی شده‌اند. این رسالت مهم رسانه‌ای در جوامعی مثل ایلام که دارای اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی با کردهای فیلی عراق است، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. شبکه استانی سیمای ایلام با این هدف طی ده ساله گذشته با تولید و ارسال سیزده سریال طنز محلی (۳۲۵ ساعت) با محتوای اجتماعی و فرهنگی و تولید نه مجموعه مستند تاریخی (۵۸) ساعت و بالغ بر ۴۶۶ ساعت ارتباط زنده با شبکه کردهای فیلی (الاشراق) پرداخته است که با استقبال بینندگان این شبکه از تولیدات هنری شبکه ایلام مواجه بوده است تا این گونه نقش موثری را بر ساخت هویت کرد های فیلی بر عهده داشته باشد.

## نتیجه گیری

استان ایلام نیز به عنوان خواستگاه مهم کردهای فیلی از گذشته های دور تا کنون همواره به دلیل قرابت فرهنگی و اجتماعی با کشور عراق به عنوان یک فرصت ایده آل برای گسترش حوزه هویتی به فراسوی مرزهای جغرافیایی و در عین حال با فعالیت شبکه های متنوع و متعدد رسانه ای در داخل و خارج از عراق یک تهدید جدی تلقی می شوند. در این راستا می توان با توجه به تنوع، جمعیت و محتوایی که ارائه می دهند.

قدرت بازنمایی تلویزیون و نفوذ آن در برساخت هویت باعث شده است که در فرایند ملت سازی در دنیای جدید جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل شویم هر چند رقبای جدید و جدی در فضای مجازی برایش پیدا شده اما قابلیت این رسانه به گونه ای است که برنامه‌ها را با تکرار و جا انداختن در دوره های زمانی خاص به ساخت‌های روایی می پردازد.

## دستاورد‌های تحقیق

-توجه دادن حاکمیت به ویژه رسانه ملی به تولید آثار فاخر مستند و نمایشی با موضوع تاریخ و هویت کردهای فیلی عراق

-تعامل مسئولین استانی با کردهای عراقی با برگزاری جشنواره‌ای آواها و نواها، غذاها، پوشاک و بازیهای محلی در قالب هفته فرهنگی اقوام

-حضورمسئولین امنیتی استان در استان‌های همجوار عراق و بررسی فعالیت سرویس های جاسوسی اسرائیل و امریکا و ...با هدف تامین امنیت و فعال نمودن رویه های گمرگی در استان ایجاد اشتغال برای جلوگیری از جذب جوانان به گروه‌های تروریستی

## راهکارها

-تقویت شبکه استانی به ویژه سیمای ایلام برای تولید سریال های تاریخی، طنز، با گویش محلی واستفاده از ظرفیت فرهنگ مشترک کردهای فیلی

-ارتقا روابط فرهنگی، اجتماعی کردهای فیلی ایران و عراق با برگزاری همایش ها، یادواره ها و انعکاس رسانه آن در شبکه ایلام و الاشراف

-تولید مستندهای سیاسی و تاریخی با موضوع مهاجرت و سابقه مبارزاتی کردهای فیلی در برابر استعمار و رژیم بعث با حضور در لوکیشن های موجود در ایران و عراق

-برگزاری مشترک جشن های باستانی(نوروز)،بازیهای محلی،جشنواره های (غذای محلی،لباس،آواها ونواها)با هدف تولید مستند و پخش زنده از تلویزیون

-برگزاری آیین ها و مناسک مذهبی (ایام عاشورا،تاسوعا،اربعین و...)در مناطق کردنشین با نوحه خوانی،مقتل خوانی وادای نذورات و...با گویش محلی

-برگزاری جشنواره شعر،موسیقی،متل خوانی، همزمان با برگزاری هفته فرهنگیبا حضور خوانندگان و نمایشگاه لباسهای محلی زنانه و مردانه

-تولید فیلم و مستند پرتره (شخصیت محور)از مشاهیر و بزرگان کرد فیلی در ایران و عراق

-برگزاری منظم و دوره ای جشنواره فیلم و عکس و خاطره در بین مناطق کرد فیلی

-استفاده از کارشناسان وهنرمندان کردفیلی عراق در برنامه های در برنامه های ترکیبی و نمایشی (سریال،تله فیلم و مستند بازسازی

-استفاده از لوکیشن محل سکونت کردهای در شهرهای کرد نشین و جاذبه های تاریخی و فرهنگی در آثار فاخر تلویزیونی

## منابع:

- احدی، پرویز (۱۳۹۹)، مؤلفه‌های قدرت نرم ج.ا.ا. در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی.
- اسمعیلی، مرتضی، (۱۳۹۶)، الگوی بومی قدرت نرم ج.ا.ا. مدلی برای قدرت‌سازی بازیگران منطقه‌ای، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶
- التیامی‌نیا، رضا، تقوی‌نیا، علی (۱۳۹۵)، تبیین جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره سوم
- ایزدیناه، حمید، آثار باستانی و تاریخی لرستان، جلد دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰
- ایزدی، فؤاد، پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه، تداوم یا تفاوت، دوفصلنامه دین و ارتباطات، سال هجدهم، شماره دوم، پاییز و تابستان.
- ایران در جنگ جهانی اول، اسناد وزارت داخله، به کوشش کاوه بیات، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۹
- برزگر، علیرضا و همکاران (۱۴۰۲)، مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی ج.ا.ا. و کردهای فیلی عراق، فصلنامه مطالعات فرهنگ دیپلماسی، سال اول، شماره ۴.
- بلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمن و دیگران، ج ۲، چاپ اول، تهران، ابرار معاصر.
- سازه‌نگاری الکساندر ونت: امتناع از گذار از بن‌بست‌های تفویک روابط بین‌الملل و دستیابی به راهی میانه، مجله جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۶.
- سهرابی، محمد، (۱۳۹۶)، تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا.، فصلنامه روابط بین‌الملل، سال دهم.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۵)، قومیت از منظر سیاست‌های هویت، فصلنامه دانش سیاسی، دوره دوم، شماره ۳
- جمشیدی، محمدحسین، محمدی گهرویی، رسول (۱۳۹۳)، ج.ا.ا. و عراق نوین؛ تبیینی بر کاربرد قدرت نرم در عراق نوین در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره یک.
- خیتال، جعفر، مجموعه آراء در مورد سرزمین پشتکوه ایلام، ایلام، کتابخانه اسماعیلی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۵؛ ساکی، محمدعلی، جغرافیای تاریخی لرستان، خرم‌آباد، کتاب‌فروشی محمدی خرم‌آبادی، ۱۳۴۲
- دارا، جلیل، خاکی، محسن (۱۳۹۷)، «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم با تأکید بر ج.ا.ا.»، فصلنامه قدرت نرم، سال هشتم، شماره ۱۸

- دشمن زیادی، اسفندیار و همکاران، (۱۳۹۵)، نقش سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدها و بازداشتن گروه‌های تروریستی از تهاجم احتمالی به مرزهای مشترک با کشور عراق، مطالعات راهبردی سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۵
- درخشانی، علی‌اکبر، خاطرات، به اهتمام احترام درخشانی، ایالات متحده آمریکا، ناشر خانواده درخشانی، ۱۹۹۴
- ریاحی، محمدرضا ۱۳۹۰ ایران و آمریکا توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه، قم مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما ۱۳۹۰
- زرگر، علیرضا و مولایی، علی (۱۴۰۱)، مؤلفه‌های قدرت نرم ج.ا.ا. در عراق با تأکید بر کردهای شیعه، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۱۲، شماره ۲
- کریمی فرد، حسین (۱۳۹۹)، پاندومی کرونا: قدرت نرم: نقش و کارکرد رسانه و افکار عمومی (با تأکید بر ایران و آمریکا)، دو فصلنامه، علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان
- گیویان، عبدالله. (۱۳۸۵). آئین، آئینی سازی دینی و شیوه‌های جدید مداحی، نشره مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره دوم، شماره ۵ فرهنگ عامه پسند دینی: تاملی در برخی بازنمایی‌های بصری
- لطفیان، سعیده (۱۳۹۰)، پندار از تهدید و سیاست‌های امنیت ملی ج.ا.ا. فصلنامه روابط خارجی، سال سوم
- لوکس، استیون (۱۳۷۵)، قدرت، نگرشی رادیکال، ترجمه عماد افروغ، تهران: خدمات فرهنگی رسا. شماره اول.
- مرادی‌مقدم، مراد، تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه (ایلام)، تهران، پرسمان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۵۳.
- نای، جوزف (۱۳۸۲)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید رضا میر طاهر، تهران، نشر قومس.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). [سازه‌انگاری به عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل]. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵، ۱۳۸۳
- مولایی، علی و دیگران (۱۴۰۱)، کردهای فیلی عراق و محیط امنیتی، ایران، فصلنامه علمی امنیت ملی، شماره ۴۶، سال ۱۲
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل تأسیسات خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴.
- منابع عربی
- جعفر الفیلی العلوی، جعفر (۲۰۰۹م. - ۱۴۳۰ هـ) تاریخ الکرد الفیلیون و آفاق المستقبل، بیروت: مؤسسه البلاغ؛

- عماد، ياسر (٢٠١٠) طقوس وعادات الزواج عند الكورد الفيليين، مؤسسه شفق: <http://faylee.org/2010/1008106.htm>

- مجموعه مؤلفين (٢٠١٣) الأقليات في العراق: الذاكرة، الهوية، التحديات، بيروت: اصدارات مؤسسه مسارات للتنميه الثقافيه و الاعلانيه.

- سايت يورونيوز ٢٠١٧/٨/٩، شماره ٣٨، به نقل از وبسایت کپ ایکس.

